الْمُعجَم: واژه‌نامه

أَحسَنْتِ	آفرین بر تو	تَيّار	جریان	قامَ	برخاست
أَخبَرَ	خبر داد	حافَظَ	نگهداری کرد	مارَسَ	انجام داد، تمرین کرد
اِصطِفاف صَباحيّ	صف صبحگاه	حُجُرات	اتاق‌ها «مفرد: حُجْرة»	مَرافِق عامَّة	تأسیسات عمومی
أَطْفَأَ	خاموش کرد	حُرّ	آزاد، آزاده	مُغلَق	بسته شده
أَعمِدَة	ستون‌ها «مفرد: عَمود»	حِصَّة	زنگ درسی، قسمت	مُكَيِّفُ الْهَواءِ	کولر
أَغلَقَ	بست	حِفاظ عَلىٰ	نگهداری از	مُواطِن	شهروند، هم‌میهن
اِقتِراح	پیشنهاد	حَنَفيَّةُ الْماءِ	شیر آب	نَشاط	فعّالیت
اِمتَلَكَ	مالک شد	دَوام مَدْرَسيّ	ساعت کار مدرسه	نَصَحَ	پند داد
اِنتَفَعَ	سود بُرد	دَورَةُ الْمياهِ	سرویس بهداشتی	نُفايَة	زباله
بَهائِم	چارپایان (به جز درندگان) «مفرد: بَهيمَة»	رَمىٰ	پرت کرد	هُدوء	آرامش
بِقاع	قطعه‌های زمین «مفرد: بُقْعَة»	عِندَئِذٍ	در این هنگام	هاتِف	تلفن
تَعاوَنَ	همیاری کرد	فَرَغَ	خالی شد «أَنْ تَفرُغَ: که خالی شود»		

معین کن درست و نادرست را برطبق متن درس.

عَيِّنِ الصَّحيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرسِ.

بود سمیه در انتظار مادرش برای رفتن به منزل.

١ــ كانَتْ سُمَيَّةُ بِانْتِظارِ والِدَتِها لِلذَّهابِ إِلَى الْمَنزِلِ.

رفت مدیر خودش برای خاموش کردن چراغ‌ها و کولر.

٢ــ ذَهَبَتِ الْمُديرَةُ نَفسُها لِإطفاءِ الْمَصابيحِ وَ الْمُكَيِّفِ.

خبرداد سمیه مدیر مدرسه را به آنجا دید در اتاق.

٣ــ أَخبَرَتْ سُمَيَّةُ مُديرَةَ الْمَدرَسَةِ بِما شاهَدَتْ فِي الْحُجرَةِ.

تأسیسات عمومی همان اماکنی هستند که مالک آن نباشند بعضی از مردم.

٤ــ اَلْمَرافِقُ الْعامَّةُ هِيَ الْأَماكِنُ الَّتي يَمتَلِكُها بَعضُ النّاسِ.

تشکر کرد مدیر در صف صبحگاهی از همه دانش‌آموزان.

٥ــ شَكَرَتِ الْمُديرَةُ فِي الِاصْطِفافِ الصَّباحيِّ جَميعَ الطّالِباتِ.